



## تلاش پارتیان (پهلویان) بر ابر یونانیان

(۳)

### ظهور دودمان اشکانی

در باب لفظ اشک ابتدا باید گفت که دو عقیده اظهار شده عقیده‌ای که بیشتر طرفدار دارد اینست که اشک مخفف ارشک است و چون بانی سلطنت پارتی ارشک بود و سایر شاهان این سلسله برای افتخار خود و جاویدان کردن نام ارشک این اسم را به اسم خود افزودند، این دودمان موسوم به ارشکیان گردید و از کثرت استعمال ارشکیان در فرقه‌های بعد اشکیان و اشکانیان شد.

برخی گفته‌اند که چون محل اقامت خانواده اشکانی در آساک بوده بدین مناسبت این خانواده خود را اشکانی نامیده‌اند. معلوم است که عقیده اولی به حقیقت نزدیکتر است، زیرا تبدیل ارشک به اشک از تبدیل آساک به این اسم طبیعی تر بنظر می‌آید. موافق یکی از روایات، ارشک شخصی بود، باختری و چون از دعوی استقلال دیودوت دریاختر رضایت نداشت از آنجا مهاجرت کرد و به پارت آمد و اهالی را به قیام بر ضد سلوکیان برانگیخت. موافق روایت دوم، ارشک و تیرداد پسران فوری‌ی‌پت بودند و آخرین پسر، ارشک بوده است. این دو برادر از باختر به پارت بنزد فرک‌پس والی سلوکی آمدند

\* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از تاریخ‌نویسان محقق معاصر

و چون تیرداد صراحت منظر داشت و والی موافق عادات یونانیان آن زمان خواست از جمالی که بهرامی برگزید این رفتار برارشك بسیار گران آمد و با دستیاری تیرداد شبانه فرانس میزبان خود را با پنج نفر نوکرانش بکشت سپس بر ضد سلوکیها عزم جزم کرد (روایت آریان قطعه ۱). بر حسب روایت سوم، ارشك اول پادشاه اشکانی سکائی بود، از طایفه یارنیان یا اپارنیان، و این طایفه هم از قوم دامسکائی بشماره میرفت که در همسایگی گرگان سکنی داشتند. ارشك با طائفه خود در وادی اترك میزیست و بعد از اینکه شنید دیودوت در باخترا اعلان استقلال داده و سکه بنام خود زده یعنی از دولت سلوکی جدا شده است، او هم به پارت آمد و بر سلوکیان بشورید. این روایت را سترابون مرجح میدانند (کتاب ۱۱ فصل ۹ بند ۲) ژوستین گوید: ارشك شخصی بود بی نام و نشان که مدتها به راهزنی اشتغال داشت. بعد از اینکه دیودوت در باخترا علم استقلال برافراشت سایر ممالک شرقی از او پیروی کردند و او هم بایکدسته از مردم راهزن به پارت درآمد و آندروگوس والی این مملکت را شکست داد و بعد گرگان را گرفت و قشونی نیرومند تشکیل داد زیرا از سلوکوس و پادشاه باخترا میترسید، ولی مرگ دیودوت به زودی خیال او را آسوده ساخت و با پسر او عقد اتحاد بست. پس از آن با سلوکوس که قشونی برای تنبیه پارتیان به پارت کشیده بود بجنگید و فاتح گردید. پارتیان روز این فتح را روز آزادی خود می دانستند و در آن جشنها بر پیامی کردند. قیام باخترا و پارت در زمان آن قیو خوس دوم پیش آمده است و وی بعد از شنیدن خبر قیام باخترا و پارت برای فرو نشاندن طغیان این مملکت اقدامی بجد نکرد و دو دولت مذکور فرصت یافتند، مبانی دولت های خود را محکم کنند. چنانکه سترابون گوید (کتاب ۱۱ فصل ۹ بند ۲) حکومت ارشك بر پارت بی منازع نبود و او در مدت تقریباً دو سال به رفع منازعات داخلی اشتغال داشت تا آنکه روزی از دست نیندادش زخمی برداشت و بر اثر آن در گذشت (۲۴۷ قبل از میلاد). عبارت (منازعات داخلی) گنگ است و معلوم نیست که دشمنان ارشك چه افرادی بوده اند، بعضی حدس میزنند که تحریک و ضدیت از طرف مراکز یونانی نشین پارت بوده است. مثلاً مردم هکاتوم پیاس (شهر صدروازه) که شهر یونانی بود از حکومت ارشك بر پارت رضایت نداشتند و این عدم رضایت بالاخره به جنگ کشیده و ارشك کشته شد در هر حال حقیقت امر معلوم نیست.

سلطنت ارشك اول از ۲۵۰ تا ۲۴۷ قبل از میلاد بوده است<sup>۱</sup>.

مرحوم اعتماد السلطنه که در باره اشکانیان روایات مختلف را در سه جلد کتاب

زیر عنوان (در التیجان فی تاریخ بنی الاشکان) جمع آورده است مینویسد:

«ژورژ لیسن از فضلاء انگلیس و معلم علم تاریخ گوید: مملکت پارت عبارت از

خراسان حالیه که امتداد آن از سر دره خوار تا هری رود بوده است . بنابراین سمنان ، دامغان ، شاهرود ، بسطام ، سبزوار ، نیشابور ، مشهد ، ترشیز و سایر بلاد خراسان همه داخل مملکت پارت قرار داشته است . مورخ دیگر مینویسد : پارتها ابتدا در ناحیه ای بسیار کوچک حکمرانی بهمرسانیدند و در همان اوایل شورش ، مملکتی را که مالک شدند دارای چند شهر بزرگ بود از قبیل ایزاطیس و اوروپوس و آسپا و اراکتا و آپامیا و آرتا گوانا یا آرتا کانا و آسپا و هکاتوم پیلوس . نگارنده بعد از تحقیق و تتبع در کلمات محققان قدیم و جدید و ملاحظه نقشه ها باین نتیجه رسیده ام که سرزمین پارت و اشکانیان عبارت از دهستان قدیم و دره اترک بوده است . باین حدود : از طرف شمال شرقی کوه اترک و سلسله البرز که یعنی فاصله میان خبوشان و بجنورد و نردین و فاصل بین نیشابور و سبزوار و شاهرود و بسطام و دامغان و از سمت مشرق آق در بند و از طرف مغرب طبرستان . شهر دوم اشکانیان هکاتم پیلوس یعنی شهر صدر و روزه بود این شهر را ابتدا یونانیان بنا کردند . اما بعد از آنکه اشکانیان مسلط شدند به تجدید بعضی از ابنیه آن پرداختند و اسمش را تغییر دادند و دامغان نامیدند .

یونانیان در کوهستان اطراف هکاتم پیلوس و بلاد خراسان سکنتی داشتند و مردم کوهستانی آداب و رسوم آنان را فرا گرفتند .

قلعه هائی که اشکانیان در سرحد غربی متصرفات خود یعنی در طرف ری داشتند و آن حدود را حفظ میکرد عبارت بود از : ایوان کیف ( ایوان کی ) که آنرا اشارا کس می گفتند و آن قلعه ای را گویند که دیوار آن را با چوب و چپر ساخته باشند . قشلاق و سپس اردهان که محرف اردوان می باشد ، لاسگرد که معرب لاسگرد ، و آن مخفف بلاس گرد می باشد ، یعنی قلعه بلاس یا بلاش . شاید آن تلهای مصنوعی که در جلگه خوار دیده میشود ، آثار قلعه های اشکانیان باشد ، میگویند ، قلعه ایرج و رامین راهم اشکانیان ساخته اند .

و این سخن نادرست نیست و مطابق گفته بعضی از مورخان است که گویند یکی از پادشاهان اشکانی ایرج نام داشته است<sup>۳</sup> نگارنده قلعه ایرج را در حوالی شهر کهنه و رامین دیده ام و میتوانم به یقین بگویم از ابنیه اشکانیان است . این قلعه مستحکم و عظیم جز در گوشه ای که آثار آبادی دارد باقی آن خالی از بنا است و معلوم میشود که حصنی حصین بوده و اکثر بناهای اشکانیان بر این گونه است . یکی از مورخان میگوید اسکندر و سلوکوس ، در مملکت پارت ، چند شهر که بمنزله چند قلعه بود ساختند و یونانیان را در آن قلعه ها سکنتی دادند از جمله هکاتم پیلوس است که نزدیک شهر دامغان کنونی بوده و **هراکتلی و آپامه ( لاسگرد ) و ارود پسره<sup>۴</sup> .**

اولین پادشاه اشکانی که از سر دره خوار به طرف مغرب راند و استیلا پیدا کرد ،

فرهنگ‌اول بود که بعد از مغلوب کردن ماردها از حد متصرفات طبیعی خود قدم بیرون گذاشت و چاگه ری را تادشت قزوین تملك و تصاحب کرد .

### ایالت‌های دولت اشکانیان

طبق نوشته گویت‌شمیده مملکت‌های تابع اشکانیان که در دوره قدرت کامل بوسیله حکام آنان اداره میشدندین قرار بوده است :

- ۱ - باول - ۲ - آپلونیاتیس (می، تاسن سابق) ۳ - خادونیت ۴ - کارینا که درست معلوم نیست در کجا بوده است و برخی گفته‌اند باید نهادند باشد ۵ - کام‌بادن (کرمانشاه)
  - ۶ - مادابالا (مدان) ۷ - مادپائین یا مادرازی (ری) ۸ - خوآرن (خوار) ۹ - کمیس (قویمس - قوس - کومش) نواحی سمنان و دامغان شاهرود کنونی ۱۰ - وهرگان یا گرگان ۱۱ - آستونین که معلوم نیست کجاست ۱۲ - پارت بالاخص ۱۳ - آبا آوارتاکن ، ناحیه‌ای که جزو پارت بالاخص بوده است ۱۴ - مرگیان (مرو) ۱۵ - آریا (هرات) ۱۶ - آنائونر جزء هرات ۱۷ - زونگ (سیستان) ۱۸ - آراخوزیا (زخج یا هندوستان مفید)
- (دنباله دارد)

- ۱ - تاریخ ایران باستان صفحه ۲۲۰۳
- ۲ - این اظهار نظر درست نیست زیرا طبق مدارك محقق و تسایید شده مجله سکا تم بولس (شهر صد دروازه) و دامغان از هم جداست .
- ۳ - ذکر این مطلب نیز کمال اهمیت را دارد که طبق نظریه برخی از محققان ایرانی و اروپایی که انان فرهان و ایران محلی یکی از کشورهای ملوک الطوائفی اشکانیان در مشرق ایران بوده اند .
- ۴ - در الدتیتجان فی تاریخ بنی الاشکان تألف اعتماد السلطنه جاد اول و دوم و سوم
- ۵ - تاریخ ایران صفحه ۵۵ - ۵۴

### کژرفتاری

- |                             |                            |
|-----------------------------|----------------------------|
| نگه کن بدست اندرم ، گازرا . | چنین گفت مر مرد کژ بازرا ، |
| بمجاز اندر آرم سوانگشت تو . | بکژی گراید گرانگشت تو ،    |
- سید احمد، ادیب پیشادری